

فهرست مطالب

عنوان _____ صفحه

مقدمه: ۱

فصل اول: کلیات

بخش اول: اوضاع مصر

۱-۱- تحولات شعر معاصر عربی از عصر نهضت به بعد..... ۶

۲-۱- عوامل بیداری در مصر..... ۱۰

بخش دوم: مکاتب ادبی دوره نهضت

۱-۲- کلاسیک..... ۱۴

۱-۲-۱- واژه کلاسیک..... ۱۴

۲-۱-۲- ویژگیهای مکتب کلاسیک..... ۱۴

۲-۲- رومانتیسم..... ۱۴

۱-۲-۲- واژه رومانتیسم..... ۱۴

۲-۲-۲- ویژگیهای مکتب رومانتیسم..... ۱۵

۳-۲- رئالیسم..... ۱۷

۱-۳-۲- واژه رئالیسم..... ۱۷

۲-۳-۲- ویژگیهای مکتب رئالیسم..... ۱۷

۴-۲- سمبولیسم..... ۱۸

۱۸.....واژه سمبولیسم.....۱-۴-۲

۱۹.....ویژگیهای مکتب سمبولیسم.....۲-۴-۲

بخش سوم: جنبش شعری رومانسی

۲۱.....خلیل مطران.....۱-۳

۲۱.....جماعت دیوان.....۲-۳

۲۲.....ویژگیهای جماعت دیوان.....۱-۲-۳

۲۳.....مکتب مهجر.....۳-۳

۲۴.....ویژگیهای ادب مهجر.....۱-۳-۳

۲۴.....جماعت آپولو.....۴-۳

۲۶.....ویژگیهای جماعت آپولو.....۱-۴-۳

فصل دوم: مضامین شعری احمد زکی ابوشادی

بخش اول: زندگی و آثار ابوشادی

۳۰.....عصر ابوشادی.....۱-۱-۱

۳۱.....زندگی ابوشادی.....۲-۱-۱

۳۲.....محیط ادبی شاعر.....۳-۱-۱

۳۳.....شاعریت شاعر.....۴-۱-۱

۳۳.....شخصیت شعری شاعر.....۵-۱-۱

۳۴.....دیدگاه شاعران و ناقدان نسبت به او.....۶-۱-۱

۳۵.....۱-۱-۷ هجرت و وفات شاعر.....

۳۶.....۱-۱-۸ آثار بجا مانده از ابوشادی.....

بخش دوم: مضامین شعری ابوشادی

۴۲.....۱-۱-۲ طبیعت.....

۴۴.....۱-۱-۱-۲ طبیعت زنده.....

۴۹.....۲-۱-۱-۲ طبیعت جامد.....

۶۰.....۲-۱-۲ اجتماعیات.....

۶۱.....۱-۲-۱-۲ وطن.....

۶۸.....۲-۲-۱-۲ همزیستی و همدردی.....

۷۱.....۳-۲-۱-۲ مبارزه با ظلم و ستم.....

۷۹.....۴-۲-۱-۲ فقر.....

۸۲.....۵-۲-۱-۲ تعاون.....

۸۷.....۶-۲-۱-۲ دعوت به آزادی.....

۸۹.....۳-۱-۲ وجدانیات.....

۹۰.....۱-۳-۱-۲ عشق.....

۱۰۲.....۲-۳-۱-۲ رثا.....

۱۰۸.....۳-۳-۱-۲ مدح.....

۱۱۰.....۴-۳-۱-۲ حزن و اندوه.....

۱۲۱.....	۴-۱-۲-غیبات.....
۱۲۲.....	۱-۴-۱-۲-هستی.....
۱۲۷.....	۲-۴-۱-۲-مرگ.....
۱۳۴.....	۵-۱-۲-شعر قصصی.....
۱۴۴.....	۶-۱-۲-اسطوره.....
۱۴۴.....	۱-۶-۱-۲-واژه اسطوره.....
۱۴۵.....	۲-۶-۱-۲-اسطوره در ادبیات عرب.....
۱۴۶.....	۳-۶-۱-۲-اسطوره های مصر.....
۱۵۶.....	نتیجه.....
۱۵۸.....	منابع و مآخذ.....
۱۶۴.....	Abstract

چکیده

احمد زکی ابو شادی، شاعر، نویسنده، روزنامه نگار و پزشک مصری بود که تحصیلات تکمیلی خود را در انگلستان گذراند. وی به مطالعه ی ادبیات غربی روی آورد و تحت تأثیر نویسندگان غربی از جمله: دیکنز، ولز و بنت قرار گرفت و در زمینه ی شعر نظریاتی نوگرایانه در باب مضمون و قالبهای شعری ارائه نمود و انجمن ادبی آپولو را در سال ۱۹۳۲م. تأسیس کرد. ابوشادی در شعر پیرو مکتبهای مختلف اعم از رمانتیسم، سمبولیسم و رئالیسم بود. رمانتیسم شعری اش در وصف طبیعت و تمجید عشق تجلی یافته است. افزون بر مضامین و گونه های متنوع شعری نظیر موعظه و اندرز، فلسفه، تصوف، غزل و وصف، همراه با گرایشهای انسانی، قومی، وطنی و اجتماعی، شعر داستانی نمایشی اوپرا نیز می سرود و با این حال افراط و تفریط در نوآوری و ابداع و زیاده روی در نظم و نثر و اصراری که وی در انتشار همه ی آثار ادبی خویش داشت، سرانجامی جز مخدوش ساختن وجهه شاعری وی به همراه نداشت. پایان نامه حاضر بر آن است تا مضامین شعری احمد زکی ابو شادی را با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار دهد.

کلید واژه ها: ابوشادی، رمانتیسم، شعر، مضامین، وصف

ادبیات یکی از شاخصهای مهم سنجش میزان رشد فرهنگ در جوامع بشری بوده و کلام موزون، و خیال انگیز که آن را شعر می نامیم، خورشید تابناک آسمان ادبیات می باشد. در سرزمینهای فرهنگ پرور به ویژه زبان و ادبیات عربی، بخش قابل توجهی از پژوهشهایی را در عرصه ی ادب و شعر به خود اختصاص داده است و به ندرت می توان در حیطه ی زبان و ادبیات عربی موضوعی را یافت که حداقل به طور کلی به آن پرداخته نشده باشد، ولی چون ادبیات از وجود آدمی و تمام ابعاد فردی و اجتماعی زندگی او سرچشمه می گیرد، پیوسته چشمه های کوچک اما زلالی از آن کشف می شود که شایسته ی بررسی و پژوهش بوده و تشنگان عرصه ی ادب و معرفت را به سوی خود جلب می کند.

همواره گونه های برجسته ی شعر شاعران مانند غزل، فخر، مدح و... مورد توجه ناقدان و محققان ادب بوده و زوایای کلی مضامین آنها مورد غفلت قرار گرفته و از پژوهشهای جامع ادبا و نگاه تیز بینانه نقادان بی بهره مانده است.

شاعر در دوره های مختلف زندگی خویش، شاهد فراز و نشیبها و کامیابیها و ناکامیهاست که در شکل گیری مفاهیم ذهنی و باورهای اندیشه ای وی بی تأثیر نیستند و این یک فرایند تطور و تکامل و تحول احساسی و اندیشه ای شاعر می باشد. وقتی ابوشادی به عنوان یک انسان دردمند، نمی تواند در برابر رویدادهای اجتماع خود بی تفاوت باشد، شعرش نیز نمی تواند خارج از این رخدادهای اتفاق بیفتد و به عنوان پدیده ی مجرد و انتزاعی مطرح گردد. رخدادهای اجتماعی و سیاسی در چگونگی شکل گیری اندیشه ی شاعر تأثیرگذار است. و مضامین شعری وی به صورت هدفمند، بار رسالت اجتماعی را به دوش می کشد و زمینه را برای تغییرات و تحولات طبیعت اجتماعی هموار می سازد. از جمله مضامین شعری او که توانسته آلام و دردهای درونی را به تصویر بکشد: طبیعت، وجدانیات، وطنیات و غیبات می باشد.

روش تحقیق

در تدوین پایان نامه ی حاضر، از شیوه ی کتابخانه ای و تحلیل محتوا استفاده شده است. بدین ترتیب که ابتدا، کتابهای مرتبط با موضوع مورد نظر مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و قسمت‌های مفید آن استخراج و فیش برداری گردیده، و پس از آن به تحلیل اشعار وی در مضامین مختلف پرداخته شده است.

پیشینه تحقیق

از آن جایی که شاعر، جزو شاعران مشهور دوره معاصر است و پژوهندگان تنها گرایشهای انسانی و جنبه ی نوگرایی ایشان را مورد بررسی قرار داده اند، می توان گفت که پژوهش و بررسی تمام مضامین شعری شاعر چیزی است که مورد غفلت واقع شده است.

اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش توجه به تمامی مضامین شاعر است تا آلام و دردهای انسانی و وطنی و قومی که شاعر از آن رنج می برد، و گامی که به سوی تجدد و نوگرایی و رهایی از سنتهای قدیم برداشته است، روشن شود.

سؤالات و فرضیه های پژوهشی

پژوهنده با نگارش این پایان نامه خواستار پاسخ گویی به این سوالات می باشد:

الف- ابو شادی در چه مضامینی شعر سروده است؟ ب- هدف از بنیان گذاری جماعت آپولو چه بود؟ ج- چه عواملی موجب هجرت ایشان از مصر می باشد؟

الف) ابوشادی در موضوعات مختلفی قلم فرسایی کرده است از جمله: طبیعت، عشق، تصوف، غزل، فلسفه، رثا و ...

ب) هدف وی از برپایی جماعت آپولو، برقراری تعاون، انصاف، اصلاح و نوگرایی بود.

ج) شاعر در روند روزنامه نگاری و ادبیات با تنگناهایی مواجه شد و در برخی از ناشران حزب گرایی شخصی و سیاسی نفوذ کرده بود که منجر به احساس غربت وی در سرزمین مادری اش گشت، از طرف دیگر همسرش در سال ۱۹۴۶م. دار فانی را وداع گفت و این امر موجب تأسف و برانگیختگی حزن و درد شدید در وی گشت و زمینه های مهاجرتش را به آمریکا فراهم کرد.

ساختار پایان نامه

پایان نامه حاضر از دو فصل شکل گرفته است. فصل اول به سه بخش تقسیم شده، که بخش اول اوضاع ادبی معاصر مصر را در بر گرفته، و بخش دوم مکاتب ادبی را به همراه ویژگیهایش، و بخش سوم جنبش شعری رومانسی را مورد توجه قرار داده است. فصل دوم از دو بخش تشکیل یافته که بخش اول به زندگی و آثار ادبی شاعر می پردازد و بخش دوم به مضامین شعری شاعر تکیه نموده که برای هر مضمون، شعرهایی به عنوان نمونه آورده شده و سپس به تحلیل آنها پرداخته شده است.

و الحمد لله رب العالمین

فاطمه کهنسال کشکی

آذرماه ۱۳۹۱

تبریز.ایران

فصل اول

کلیات

بخش اول: اوضاع مصر

بخش دوم: مکاتب ادبی دوره نهضت

بخش سوم: جنبش شعری رومانسی

بخش اول

اوضاع مصر

۱-۱- تحولات شعر معاصر عربی از عصر نهضت به بعد

۱-۲- عوامل بیداری در مصر

۱-۱- تحولات شعر معاصر عربی از عصر نهضت به بعد

ادبیات عرب یک تاریخ سیزده قرن را پشت سر گذاشته که در جای خود یک دوره ی طولانی فعالیت محسوب می شود و تداوم آن حتی از هر زبان و ادبیات زنده اروپایی قابل مباحات، بیشتر است. اما ادبیات عرب در ورای تداوم صریح زبانی خود، به نوعی تکامل و تکوین دست یافته که از بعضی لحاظ قابل مقایسه با ادبیات روحی که جانشین زبان و ادبیات کلاسیک یونان شده بود، می باشد.

ادبیات نوین عرب به صورت بسیار محدود وارث ادبیات «کهن» آن قوم می باشد. در نظر اکثر مردم، منادیان این ادبیات اشخاصی هستند که از چشمه های دیگر سیراب گشته و با چشم های متفاوت به دنیا نگریده اند. و در پشتوانه ی فکری اینها «گذشته» هنوز سهمی دارد، حتی در بین اینها گروهی وجود دارند که «گذشته» با تأثیرات تازه تری در آنها اثر گذاشته است. مدافعان و هواداران ادبیات «کهن» و ادبیات «نوین» عرب به خاطر روح و هویت جهانی، درگیر کشمکشی شدند که در آن پیروزی یک طرف بر طرف دیگر هنوز هم مسلم و مسجل نشده است.

اندیشه ی اروپایی از زمان حمله ی فرانسه به مصر، در شرق عربی و سرزمین شام راه یافت، به ویژه لبنان که مبلغان مسیحی از اروپا و آمریکا به آنجا می رفتند. (هداره، ۱۹۹۴: ۱۵) هرچند کشور مصر به دلیل عوامل سیاسی و اجتماعی زیر سلطه ی استعمار قرار گرفت، به طور همزمان از فرهنگ کشور حاکم تأثیر پذیرفت و استعدادهای نهفته ادیبان این سرزمین در چنین شرایطی با آشنایی با فرهنگ و تمدن کشور فرانسه شکوفا شد.

این شاعران و نویسندگان که تا آن زمان زیر حاکمیت خشک و بی روح ویژگیهای شعر و ادب عصر انحطاط قرار داشتند از یکنواختی و تکرار صور خیال و زبان شعر و ادب دلزده شده بودند، بستری را فراهم دیدند تا بواسطه آن بتوانند به نوآوری و خلاقیت ادبی دست بزنند و تشنگی روح نوجوی خویش را به تدریج سیراب سازند؛ زیرا تا این زمان، ادبیات غرق در توجه به لفظ و بهره گیری از صنایع گوناگون ادبی بود.

در واقع، ادبیات معاصر در مقایسه با دوره پیش، با اصلاحات و دگرگونی زیادی همراه بود. اما این اصلاحات روندی تدریجی داشته و در ابتدا از دوره عثمانی تأثیر می گرفت. اشعار ابتدای این دوره، همچون دوره فترت ضعیف

بودند و شاعران غالباً ضعف و سستی مضامین اشعارشان را با صنایع لفظی و بدیعی دشوار می پوشاندند. آنها ابیاتی می ساختند که از راست و چپ به یک صورت خوانده می شد و یا با حروف مشخصی آغاز می گردید و گاهی هم حروف اول بیت یا ابیاتی از شعر را تشکیل می داد و یا بر حادثه و تاریخ خاصی دلالت می نمود. (هیکل، ۲۰۱۰: صص ۳۱-۳۲)

مضامین و مفاهیم جدید برای سرودن شعر به کلی تعطیل شده بود و استفاده از صنایع ادبی و بلاغت در گونه های مختلف معانی بیان و بدیع- به ویژه بدیع که خود ابزاری نیک در تأثیرگذاری اندیشه است، به خصوص در شعر به هدف تبدیل شده بود و شاعر توجه به علم بدیع و بهره گیری از آن را وسیله ی نشان دادن توانمندی لغوی خود می دانست و تقریباً اندیشه ای نو در شعر وجود نداشت. عناصر عاطفه و خیال در این میان به فراموشی سپرده شده بود، نمونه های بارز از آن، بدیعیات در شعر عصر انحطاط است؛ این کاربرد گسترده ی علم بدیع در شعر، خود به گونه ای خاص از شعر تبدیل شده بود.

ویژگیهای مذکور در عصر فترت، حتی تا سده های نوزدهم بر شعر عربی حاکم بود. شاعران این دوره نیز در شعر خود از صناعات بدیعی به فراوانی بهره می جستند و از صور بیان و تصویرهای شعری عصر انحطاط- به ویژه در تشبیهات خویش- بهره مند می شدند. در این دوره، کشور مصر زیر سلطه امپراتوری عثمانی بود و حاکمان ترک به شکل رسمی این سرزمین را تحت اختیار داشتند. در این شرایط اجتماعی-ادبی بود که حمله نظامی سپاه ناپلئون بناپارت به کشور مصر به قصد اشغال و حاکمیت استعمارگرانه در سال ۱۷۹۸ انجام گرفت و این تهاجم نظامی-سیاسی با تأثیرگذاری فکری، علمی، اجتماعی و ادبی نیز همراه شد؛ زیرا این شرایط، زمینه ای برای برقراری ارتباط مصریان با جهان غرب فراهم ساخت و این امر، عاملی برای تحول فکری-ادبی در سرزمین مصر و به دنبال آن، دیگر سرزمین های عربی، مانند سوریه و لبنان گردید. حمله نظامی فرانسه به مصر نوعی احساس تلخکامی برای مردم مصر به همراه داشت و در بیداری غرور ملی عربها و اندیشه جدایی مصر از سرزمین عثمانی تأثیر گذاشت، این حمله موجبات دگرگونی و تحول ادبی- فرهنگی را در جهان فراهم ساخت. (الباطین، ۲۰۰۲، ۶/صص ۵۴۳-۵۴۴)

پس از رانده شدن فرانسویان از مصر، محمد علی، خدیو آن کشور، مظهر غرور ملی مصریان شد. او نیز همانند دیگر فرمانروایان مشرق در آن زمان، پیشرفت را بیشتر در زمینه ی آرایش سپاه و فنون جنگی می دانست ولی حتی از همان دوره کوتاه اقامت فرانسویان در مصر، اندیشه های نو در میان رهبران فکری مصر راه یافت؛ و برخورد

و گفت و گوی علمای مصری، مانند عبدالرحمن جبرتی-تاریخ نویس- و شیخ عطار-استاد الازهر- با دانشمندانی که ناپلئون همراه خود به مصر آورده بود، نمی توانست شوق همگامی با غرب را نزد مصریان برانگیزد. به تدریج که نفوذ استعماری انگلیس و فرانسه در جهان عرب گسترش یافت و جنبش میهن پرستی در میان ملت های عرب برای مقابله با آن نیرومند گردید، ترقی خواهی به صورت مذهب اجتماعی تحصیلکرده ها در آمد. (عنایت، ۱۳۷۶: ۱۲)

شعر در عصر نهضت، ادامه ی شعر دوره ی پیشین بود، هم به دلیل به کارگیری صناعات بدیعی و زیاده روی در بدیعیات و هم اینکه اغراض شعری در این دوره محدود و کم ارزش و معانی آن سست و ضعیف، و اسلوب شعر متصنع و متکلف بود، بی آنکه روح زندگی در آن دمیده شده باشد و عاطفه ی حقیقی در آن، موج بزند. شعر این دوره فقط تقلید و الگو برداری از دوره ی پیشین می باشد (ضیف، ۱۹۶۰: ۳۸)، به گونه ای که ضعف زبان و فقر معنی، ویژگی اصلی شعر محسوب می شود. در نتیجه، شعر بیشتر به دنبال پرگویی و تصنع گرایی و تهی از هر گونه شیوایی و فصاحت عاطفه و خیال حقیقی بود.

پیشتر از آن عصر نهضت، الگوی خویش را از شاعران عصر عباسی می گرفتند و با شیوه ی آنها به مدح، رثا و ادب مناسبات تمایل داشتند. و به موضوعهای کهن پایبند بودند؛ اما هنوز برخی ویژگیهای عصر انحطاط در شعرشان دیده می شد. آنان در تقلید از پیشینیان، موفق و از نظر ابتکار و نوآوری ناموفق بودند (خسروی، ۱۳۸۴: ۴۲)؛ اما با وجود دگرگونی های پر شتاب فکری- اجتماعی، تقاضای ادبی جامعه نیز نمی توانست در رکود و ضعف باقی بماند و از این رو ادیبان نیاز به تحول اساسی در زبان شعر و ادب و محتوای آن را احساس کردند.

آغازگر این تحول، در شعر ناصیف یازجی، نقولا ترک، صفوت ساعاتی، عبدالله ندیم، عبدالله فکری، محمد عثمان جلال و عایشه تیموریه مشاهده می شود آنها بدیعه مخمس و تخمیس را به طور کامل کنار نگذاشتند. از جمله شاعرانی که ویژگیهای عصر فترت را به طور کامل کنار گذاشت، می توان بارودی را نام برد. وی رهبر ایده آل این تحول و رهبر نوگرایان، از شاعران عصر عباسی تقلید و با شعر های آنان به مقابله برخاست و در سروده هایش، استواری و شکوه شعر عربی را زنده ساخت. و همچنین روح زندگی را به شعر بازگرداند و آن را از روشهای ضعیف و سست رها ساخت. (ضیف، ۱۱۱۹: صص ۴۳-۴۴ و خسروی، ۱۳۸۴: صص ۴۲-۴۳) و علاوه بر آن در همه اغراض شعر، ساختار قدیمی قصیده را حفظ کرد، به این ترتیب که قصیده ی خود را با تغزل یا خمربه ای تقلیدی آغاز می کند و سپس به اغراض اصلی همچون فخر، وصف و یا سیاست و ... می پردازد. (نشاوی، ۱۹۸۰: ۵۵)

با اینکه شعر بارودی در بافت، و بسیاری از الفاظ و صورتها و خیالهایش شبیه شاعران بزرگ عباسی است؛ وی کوشید تا جنبش شعر عرب را در طول عصر انحطاط از جمود و عقب ماندگی به افق های آزادی و نهوض عصر قوت و شکوفایی انتقال دهد. اما ما ویژگیهای عمومی را که شخصیت بارودی و انگیزه های نفسانی و مشکلات زندگی و محیطش-محیط مصر در نیمه ی دوم از قرن ۱۹ متصف به آن است، احساس می کنیم. و عنصر ذاتیت تنها عنصر جدیدی است که بارودی آن را به شعر عربی برگرداند و این ذاتیت تصویرگر کیان مستقل شاعر و نگاه برجسته ی او به زندگی و مردم محسوب می شود. (الحسین، ۲۰۱۰: ۲۲۲) نوآوری به تدریج در شعر عربی وارد شد. اما آنچه بدیهی و غیر قابل انکار به نظر می رسد، این نکته مهم است که شعر شاعران نوآور نزد هر ملتی کاملاً بر میراث ادبی کهن آن ملت استوار است. نمی تواند به طور کامل از آن جدا شود، هر چند که در تماس با دیگر فرهنگها، تأثیرات بسیاری از آنها می گیرد.

کار شاعران نوآور در واقع نوعی ترجمه از روشهای غربی بود، ما در تحولات شعر عربی، این مسأله را در تأثیرپذیری خلیل مطران از شاعران اروپایی مثل آلفرد و موسه و هوگو می بینیم (خسروی، ۱۳۸۴: ۴۴)، همچنین در دیدگاههای شگری و مازنی که متأثر از ناقدان و شاعران انگلیسی بودند و تئوریهها و نظریه های ادبی انتقادی همه ی آنان تحت تأثیر آشنایی ایشان با فرهنگ و اندیشه ادبی اروپایی قرار داشت.

نفوذ استعمار انگلیس و فرانسه در جهان عرب در سده ی نوزدهم، عامل پیدایش جنبشهای میهن دوستانه و انقلابهای سیاسی مانند انقلاب عراقی پاشا در مصر و قیام ژوئن ۱۹۱۶ شریف حسین برای آزادی و استقلال شد. هر چند برخی از این انقلابها در زمان خود به شکست انجامید و یا با برنامه ریزی استعمار و پیوند عرب با انگلستان به بیراهه کشانده شد، این تلاشهای سیاسی در وضعیت ادبی و بیداری سیاسی و اجتماعی جامعه نقش به سزایی داشت و باعث شکل گیری شعرهای وطنی، سیاسی و اجتماعی در دیوانهای شاعران جهان عرب گشت. بی تردید، فعال سازی جنبشهای ادبی را فراهم کرد و این جنبشها، مسائل سیاسی و وطنی، اجتماعی، دینی و ادبی را فرا گرفتند. انقلاب احمد عراقی پاشا در آگاهی افکار و فعال کردن قلم ادیبان، نقش غیر قابل انکاری داشت. (هداره، ۱۹۹۴: ۲۶۸)

در واقع می توان گفت: نفوذ استعمارگونه غرب در جهان عرب، تأثیر پارادوکس ژرفی در میان ادیبان و اندیشمندان بر جای نهاد؛ چه از یک سو، آنان با تأثیرپذیری از ادبیات و اندیشه ی جهان غرب، به طور آگاهانه در جهت تحول ادبیات خویش هم در نثر و هم در شعر گامهای بزرگی برداشتند، به گونه ای که همه ی جریان های ادبی غرب که از سده ی هیجدهم در ادبیات غرب پدیدار شده بود، در ادبیات عرب نیز تجلی یافت و موجب رشد و

کمال ادب معاصر عربی گردید، و از سوی دیگر، جریحه دار شدن غرور ملی ملت‌های عرب زبان در پی حضور استعمارگرانه اروپا در کشور‌هایشان سبب شد دامنه جنبش‌های ملی-میهنی در میان اهل فکر و سیاست گسترش یابد، علاوه بر آنکه جنبه میهنی و ملی، یکی از پررنگ‌ترین مضامین شعر شاعران عصر نهضت و معاصر گردید. در این دوره، شعر یکی از ابزارهای مهم بیان گرایش‌های سیاسی-اجتماعی عصر خود به شمار می‌آمد.

نهضت ادبی جدید مصر در دو گرایش جریان دارد: ۱- گرایش به شعر کلاسیک، طرفداران آن در تلاش و تکاپو برای باز کردن جایی در میان گرایش‌های نو می‌باشد و پایبند سبک عمودی هستند و به زیبایی و دلچسبی زبان و کیفیت آن تأکید خاصی داشتند. ۲- گرایش به شعر نو، از بارزترین ویژگی‌های آن نزدیک ساختن زبان شعری به زبان واقع (بیان از واقعیت به طریقه‌ی موضوعی) می‌باشد، طرفداران این گرایش از نغمه‌ی غنایی شایع در شعر تقلیدی دوری گزیده و تحت تأثیر میراث انسانی قرار گرفته و در سیاق بنیه‌ی قصیده به استخدام اسطوره تکیه می‌کنند، و عمق ذات انسانی را تحت شعاع خود درمی‌آورند. (حامد، ۲۰۰۴: صص ۱۱-۱۴، با تصرف کامل)

۱-۲- عوامل بیداری در مصر

نهضتی که در مصر و پس از اشغال آن توسط فرانسه صورت گرفت، دارای اسباب و علل متعددی بود. بخش عمده‌ای از این عوامل به لطف روابطی به وجود آمد که مصر با کشورهای اروپایی و به ویژه فرانسه برقرار کرده بود. این روابط از دو مسیر جداگانه صورت گرفته است: یکی از طریق بیگانگانی که همراه ناپلئون به مصر آمده بودند و پس از خروج فرانسه نیز، تعدادی از آنان در مصر ماندگار شدند، این افراد که غالباً از هنرمندان و اندیشمندان فرانسه بودند، در آشنا کردن مصریان با علوم و فنون جدید نقش بسزایی بر عهده داشتند. دومین مسیر آشنایی با فرهنگ و علوم غرب، دانشجویانی بودند که محمدعلی پاشا در دوران حکومت خویش به اروپا گسیل داشت.

اسبابی که در قیام و برپایی نهضت ادبی مصر کمک کرد بیشتر از اسباب و عواملی است که کشورهای دیگر عرب از جمله شام از آن برخوردار بود و دلیل آن به شرایط سیاسی که مصر به دنبال سلطه‌ی استقلال طلبی محمد علی پاشا از دولت عثمانی به دست آورده بود، معطوف می‌شود. (البقاعی، ۱۹۹۰: ۱۷۲، با تصرف اندک)

بارزترین عواملی که مورد توجه همه قرار داشت عبارت بود از:

مدارس: مدارس یکی از عوامل بسیار تأثیر گذار در امر آموزش و به دنبال آن ترقی و پیشرفت ملتها است. فرانسویان با اشغال مصر، دو مدرسه برای آموزش فرزندانشان تأسیس کردند که برخی اشراف زادگان مصری نیز در آن به تحصیل می پرداختند. این دو مدرسه، اولین مدارس بود که علوم و فنون جدید را در مصر آموزش می دادند. پس از اینکه محمد علی پاشا در سال ۱۸۰۵ زمام حکومت را در دست گرفت، به امر اصلاح و پیشرفت مصر اهتمام ورزید. «وی مدارس را برای دانشجویان مصری در پاریس ایجاد نمود. و این دانشجویان بعد از فارغ التحصیل شدن در پاریس به مصر برگشتند و این در حالی بود که آنها پرچم جنبش اصلاح گری را با خود داشتند و در رأس این دانش پژوهان رفاعة طهطاوی و علی مبارک قرار داشت». (الدسوقی، بی تا: ۱۰)

چاپخانه: بی شک یکی از وسائل مهم نشر فرهنگ و دانش چاپخانه است. در سال ۱۸۲۱ میلادی به امر محمد علی پاشا چاپخانه ای در مصر تأسیس گردید که به انتشار مطالب و آثار دست یازید و به تدریج صنعت چاپ در ممالک عربی رو به پیشرفت و فزونی نهاد.

نقش چاپخانه ها در نهضت ادبی عبارت بود از: ۱- احیای ادبیات قدیم از راه شعر و نثر و کتاب ۲- تسریع در به دست آوردن تعداد عظیمی از نسخه ها در مدت زمان کم ۳- احیای میراث قدیم از خلال صدور امهات کتابها مثل اغانی، عقد الفرید و... ۴- وسعت یافتن جنبش تألیف ۵- فراهم شدن کتابهای درسی و مقررات آموزشی. (الخطیب، ۲۰۰۹: ۲۲، با تصرف اندک)

روزنامه ها: توسعه و افزایش چاپخانه ها در پیدایش روزنامه و روزنامه نگاری تأثیری بسزا داشت و به عنوان عاملی از عوامل فعال در نشر روح قومی سرزمین عرب و یکتا سازی افکار و گرایشها گردید. نخستین روزنامه ی عربی در مصر به نام «الوقائع المصریة» به سال ۱۸۲۸ در عهد محمد علی پاشا به عنوان روزنامه ای رسمی انتشار یافت که اخبار را به زبان ترکی و عربی منتشر می نمود، و به دنبال این روزنامه، روزنامه های سیاسی، وطنی، اجتماعی و... رشد و نمو یافت که در برانگیختن شعله ی انقلاب و حماسه در نفوس مردم، و برانگیختن احساس و شعور آزادی و آشکار ساختن طمع استعمارگران و راه رهایی از آنها را نشان می دهد و این نهضت منجر به ازدهار و شکوفایی فن مقاله گشت. (الرکابی، ۱۹۹۶: ۲۷۷)

نقش روزنامه در نهضت عربی حدیث عبارت بود از: ۱- مساهمت در احیای میراث ادبی از خلال نشر آن
۲- نشر دستاوردهای ادبی ۳- تحکیم پیوند با ادبیات غرب از طریق ترجمه و نشر متون ادبی ترجمه شده و
شناساندن ادبیات غرب ۴- تشویق پیوند میان نویسندگان و ادبای در موضع شادی و اندوه. (الخطیب، ۲۰۰۹: صص ۲۳-
۲۴)

ترجمه ی ادبی: روزنامه ها تنها عامل از عوامل شکوفایی فرهنگی و فکری مصر نبودند و در کنار آن، جنبش
ترجمه ی ادبی نیز در سوق دادن جوانان به سوی منبع دیگری از منابع فرهنگی، فعالیت قابل ملاحظه و تأثیرگذار
داشت و در این میان ادبای اسکندریه از طریق نمایندگان خارجی، و از طریق مسیونهای مسیحی که اروپاییها آنها را
به سوریه و لبنان فرستاده بودند، با زبانهای بیگانه آشنایی پیدا کردند و آن زمان که اروپاییها در شهر اسکندریه
مستقر شدند از میان آنها کسانی به عرصه ی ظهور رسیدند که بهره ی فراوانی از ترجمه ی رمانهای دو زبان
انگلیسی و فرانسه نصیبشان شده بود. (العشماوی، ۱۹۸۰: ۱۴۲)

خاورشناسی: در کنار ترجمه، عملکرد مستشرقان نیز یکی از عوامل مؤثر در نهضت ادبی و ارتباط با فکر غربی
بود که در راه زبان و ادبیات عربی، احیای گنجهای فرهنگ قدیم عرب و بررسی سرچشمه های ادبیات نوین عرب
تلاش کرده اند.

شرق شناسی از قدیم الایام تا اکنون با روشهای مختلف در جریان بود غریبها در قرن دهم از مدنیت عربها
خوششان آمده و بعضی از کتابهای آنها را در آن روز که به علوم و ادبیات عربی نیاز شدید داشتند ترجمه کردند
همانطور که در قرن دوازدهم تعداد زیادی از خاورشناسان به سرزمینهای اندلس هجرت کرده بودند تا از مدارس
آنجا استفاده، و کتابهای با ارزش آن را به زبانهایشان ترجمه کنند. (الرکابی، ۱۹۹۶: ۲۸۵)

مجامع علمی و ادبی: از عوامل مؤثر در نهضت حدیث، مجامع علمی و ادبی و انجمن های فرهنگی است. در
تاریخ عرب، اندیشه ی تأسیس مجامع علمی و لغوی و ادبی از زمان مأمون آغاز شده بود و در آن علما برای تداول
اموری که منجر به سود رسانی در زمینه علم و لغت می شود اجتماع می کردند و اولین مجمعی که در شرق بعد از
عصر تاریک انحطاط تأسیس شد، مجمع علمی مصری است که ناپلئون آن را در مصر با عضویت ۴۸ نفری تأسیس
نمود و در آن به بررسی علم کیمیا می پرداختند. و این مجمع اولین رابطه فرهنگی میان مصر و اروپا بود که عشق و
معرفت مصریها را شعله ور ساخت که بعد از خروج فرانسوی ها از مصر منحل شد. (همان: ۲۷۸)

بخش دوم

مکاتب ادبی دوره ی نهضت

۲-۱- کلاسیک

۲-۲- رومانسیسم

۲-۳- رئالیسم

۲-۴- سمبولیسم

۲-۱-کلاسیک

۲-۱-۱-واژه کلاسیک

کلمه ی کلاسیک مشتق از کلمه ی لاتینی «کلاسوس» است که به طبقه ی والای جامعه روم توجه می کرد و بعدها به ادبیاتی اطلاق گردید که ادبای صاحبان اشراف آن را می نوشتند و به این ترتیب ادبیات آنها، ادبیات کلاسیک نام گرفت. (البقاعی، ۱۹۹۰: ۲۰۶) قبل از پیدایش سایر مکاتب ادبی (در قرن هفدهم) در فرانسه به وجود آمده و از ادبیات قدیم و یونان و روم تقلید کرده است.

۲-۱-۲-ویژگیهای مکتب کلاسیک

ویژگیهای مکتب کلاسیک عبارت بود از:

- ۱-تقلید از طبیعت: هنرمند کلاسیک در صدد تقلید طبیعت انسانی است.
- ۲-تقلید از قدما: هنرمند کلاسیک می گوید که زیبایی جاودانی را باید در آثار قدما جستجو کرد.
- ۳-اصل عقل: اصل عقل، بر ادبیات کلاسیک مسلط است و همه ی اصول دیگر را رهبری می کند.
- ۴-اصل اخلاقی: هدف نهایی آثار کلاسیک خدمت به اخلاق والای انسانی است. (سید حسینی، ۱۳۶۶: ۱/صص ۳۷-۴۲، باتصرف اندک)

۲-۲-رومانتیسزم

۲-۲-۱-واژه رومانتیسزم

درباره ی اشتقاق لغوی این کلمه اختلاف نظر وجود دارد. بنا بر قول صحیحتر، ریشه ی اصلی این کلمه "Roman" به معنی قصه طولانی خیالی، یا داستانهای مخاطره آمیز قرون وسطی می باشد، این لفظ در انگلیس بر نوعی اغراق و خیال پردازی اطلاق می شود، اما معنی خاصی را که در تمام مراحل خود در بر داشته، معنی حزن و اندوه بوده است. (الایوبی، ۱۹۸۴: ۱۶)

محمد مندور این کلمه را بر گرفته از رومانوس می داند، این واژه به زبان و ادبیاتی اطلاق می شود که از زبان لاتین منشعب است و به لهجه های عامیانه روم و یونان در قرون وسطی نیز اطلاق می شود. (مندور، ۱۹۹۸: ۵۹)

ریشه های جنبش رمانتیک در قرن هیجدهم نهفته است. در این قرن مجموعه ای از گرایشها و تحولات به هم پیوسته پدیدار گشت که تأثیرات عمیق و چند جانبه ای را در پی داشت؛ انحطاط نظام نئوکلاسیک به پرسشها و تردیدهای عصر روشنگری منجر گردید و این وضعیت خود به تدریج زمینه ی مناسبی برای رسوخ و رواج عقاید جدیدی فراهم آورد که در نیمه ی دوم قرن همه گیر شد. باز اندیشی بنیادین معیارها و شیوه های انتقادی، پیش شرط اساسی شکوفایی جنبش رومانتیسم بود، و این همان چیزی است که در طی قرن هیجدهم اتفاق افتاد. پس روشن است که هر چند جنبش رومانتیک در نخستین گام قاطع خود یک انقلاب ادبی را به وجود آورد، اما در واقع خود این جنبش محصول یک روند تکاملی ممتد و طولانی بود. سیر تکامل و شکل و صورت آن می تواند بیانگر ماهیت انقلاب رومانتیک باشد. (فورست، ۱۳۸۰: ۲۹)

۲-۲-۲-ویژگیهای مکتب رومانتیسم

این مکتب به عنوان یک مکتب ادبی مشخص برای نخستین بار در انگلیس ظاهر شد، و در عصر معاصر ادبیات عرب پا به پای تحولات جهانی هر چند با تأخیر، با اشتیاق پذیرای آموزه های مکتب رومانتیسم گردید. یکی از بهترین عوامل نفوذ آموزه های این مکتب در ادبیات عرب، حمله ی ناپلئون در سال ۱۷۹۸م. به مصر و به دنبال آن آشنا شدن اندیشمندان و ادیبان عرب با همتایان غربی خود و ارتباط با آنها بود. نمی توان به طور مشخص ویژگیهای اصول و موضوعات آن را تعیین و معرفی کرد؛ این مکتب قادر است هر موضوعی را در بر گیرد:

۱- پیروان مکتب رومانتیک به عکس کلاسیک که بیشتر به عقل تکیه دارند، قلب را سرچشمه ی الهام می دانند که هرگز خطا نمی کند، به باور آنها «وجدان از قوای نفسانی قائم به ذات و غریزه ای است تکوینی که می تواند از راه احساس و ذوق، خیر را از شر بازشناسد». (غنیمی هلال، ۱۳۷۳: ۶۵)

۲- اساس این مکتب تمجید فرد است و مقدم داشتن عواطف بر زبان عقل و منطق، و تکیه اش بر احساس و طبیعت است و شاعر رومانتیک بر دو اصل تکیه دارد: ۱- وحدت ساختاری شعر (الوحدة العضویة) Organicunity، ۲-مقدم داشتن معنی یا محتوا بر لفظ و قالب. (میرقادی، ۱۳۸۵: ۱۰۵)